

کوزو اونو^۲ (۱۹۷۷ - ۱۸۹۷) در دانشگاه توکیو تحصیل کرد ، جایی که در همان زمان چندین استاد جوان به مارکسیسم جذب شده بودند . از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۴ ، او در برلین ماند و به طور کامل خودش را وقف خواندن کاپیتال کرد . در بازگشتش به ژاپن ، به کرسی اقتصاد سیاسی منصوب شد و از مباحثاتی که بر علیه مکتب کوزا و رونا بودند خود را عقب کشید و هم زمان در جستجوی مبنایی برای فراروی از آنها بود . او مجذوب ایده های آثار هیلفردینگ و لنین شد ، آثاری که بر مرحله معینی در تاریخ سرمایه داری متمرکز بودند و بر همان سطحی که مارکس در نظر داشت استقرار نداشتند . بعدتر نه تنها در ارجاع به عصری متمایز ، بلکه با وضع کردن موضوعات نظری بیشتر ، در جستجوی برساختن مفهوم دست نخورده ای از جامعه سرمایه داری بر آمد . اونو در ۱۹۳۸ دستگیر و در ۱۹۴۰ آزاد شد . در سال ۱۹۴۷ ، او استاد اقتصاد سیاسی در موسسه علوم اجتماعی توکیو ، که تازه ساخته شده بود ، شد . حالا دوره ای از مهمترین فعالیت های نوشتاریش آغاز می شد . اما تنها در دهه ۱۹۶۰ ، با افول تاثیرات استالین بود که آرام آرام خودش را به عنوان راس مهمترین مکتب مارکسیسم ژاپنی تثبیت کرد . و تا به امروز تاثیراتش سرآمد باقی مانده است . مهمترین اثرش ، *Keizai Genron (1964)* به انگلیسی توسط توماس سکین در ۱۹۸۰ تحت نام اصول اقتصاد سیاسی : نظریه جامعه سرمایه داری محض^۳ ، ترجمه شد . ویرایش نخست در دو جلد (۱۹۵۰ و ۱۹۵۲) تا به حال تاثیر زیادی داشته است .

مفهوم ویژه اونو از " سوسیالیسم علمی " او را به جدا کردن (برای وحدت بهتر آنها) عمل و علم سوق داد . علم موضوعات و معیارهای خودش را داشت . در خصوص توسعه ، هیچ نیازی به یک " چشم انداز " خارجی ، حتی اگر آن پرولتاریا باشد ، وجود نداشت . این نظرگاه مدافع سوسیالیسم نبود ؛ بلکه بدنبال تشخیص شرایط امکان آن بود . اونو تماما وقف این وظیفه ، خودش را به عنوان " مارکسیست " در معنای قوی که این اصطلاح از طریق درگیری سیاسی و کنش بازگو می کرد نمی نگریست ، بلکه خود را به مثابه یک مرد علم ساده می دید . بدون شک این موقعیت می بایست مارکسیسم را در سازمان دانشگاه پذیرفتنی می ساخت . به طور همزمان ، این مسئله به پروژه دشوار نظری ختم شد که اصولی برای مداخله در مجادله ای داغ و انضمامی فراهم می آورد . بر مبنای " مارکسیسم بین المللی " دهه های اول قرن بیستم و فرهنگ عظیم مدرن ، اونو یک خط پژوهشی مستقل را توسعه داد . بر خلاف زیباشناسی معاصر آوانگارد ژاپنی ، در این خط پژوهشی هیچ چیز اغراق آمیزی نبود . ابتکارات اونو با دغدغه های مشابه - هم دیالکتیک هگلی و هم معرفت شناسی - که در اروپا در همان زمان میان اقتصاددانان و فیلسوفان به طور یکسانی ظاهر شد فصل مشترک داشت . اما پژوهش های او به صورت شگفت انگیزی اصالت و انسجام را نمایش می داد . این کار وسیع است و در تمامی دانشگاه ها پژوهش بر آن ادامه دارد . مقاله حاضر به صورت ویژه بر اصول اقتصاد سیاسی اونو - که تنها اثر ترجمه شده از او به انگلیسی است - متمرکز و بر برخی مطالعات چاپ شده در زبانهای اروپایی استوار است . مسئولیت خطاهای احتمالی در این متن را از ابتدا و متواضانه بر عهده می گیرم . اما این نوشتار فراهم شده چون گفتگو با مارکسیسم ژاپنی می بایست آغاز شود .

پروژه معرفت شناسانه کوزو اونو

تا آنجا که می دانم ، اونو تنها تئوری پرداز مهمی است (یا حداقل اولین ، با توجه به وظیفه ای که پیروانش برعهده گرفته اند) که بازصورتبندی تفسیری از " نظریه جامعه سرمایه داری " را بر حسب یک شرح بسنده نظامند ، همراه با آغاز ، توسعه و پایانی بایسته طرح کرده بود . همانند پروژه مارکس در کاپیتال . و بهتر است که ما امروز برای معرفی هر کدام از مفاهیمش در لحظه مناسب از دلایل نظری زیربنایی دغدغه او باخبر باشیم^۴ . تعاریف و اهمیت آنها از طریق جایگاه دقیقی که در تحلیل اشغال می کنند تعیین می شود . به طور

¹ Critical Companion to Contemporary Marxism/Edited by Jacques Bidet and Stathis Kouvelakis/*Kôzô Uno and His School: A Pure Theory of Capitalism*/Jacques Bidet/p 729-741

² Kôzô Uno

³ *Principles of Political Economy: Theory of a Purely Capitalist Society*

⁴ See Schwarz 1978.

متناقضی، وظیفه پرداختن به ضرورت شرح قواعد برای همه فهم کردن و آموزش دادن، از کار نویسندگان کتابهای راهنما کنار گذاشته شده است. اونو کاملا در تعریف آن به عنوان "امر ذاتی" برحق است. و کتاب اصول او چیزی جز نسخه روشمند کاپیتال نیست.

برای اونو لازم است چنین پروژه ای تدریجا به مثابه نتیجه اختلافات میان گفتمان مارکسیستی و سطوح متمایز تحلیلها روشن شود. اونو میان سه سطح نظری تمیز می گذارد.

اولین سطح در ارتباط با کتاب اصول اونو، "نظریه جامعه سرمایه داری محض"⁵ است. کاپیتال مارکس عناصر ذاتی را فراهم کرده است. اما اونو می خواهد به شرح صورتی بسنده ببخشد. او هر چیزی که به تعاریفی ساختاری مربوط نیست را حذف می کند - هر چیزی که در ارتباط با شکل گیری تاریخی و توسعه سرمایه داری است. او هر چیزی که به طور مشخص در سرشتش اقتصادی نیست را کنار می گذارد. او شرحش را بر مبنای شکل سه وجهی منطقی که آشکارا به منطق هگل اشاره دارد، مفصل بندی می کند. در این چارچوب او هر مقوله اساسی شیوه تولید سرمایه دارانه را در جایگاه مناسب اش قرار می دهد.

دومین سطح "نظریه مراحل سرمایه داری"⁶ است. اونو میان سه دوره - مرکانتلیسم، لیبرالیسم و امپریالیسم - که به عنوان لحظاتی در توسعه نسبت میان نیروها و مناسبات تولید مشخص می شوند تمیز می گذارد. این دوره بندی ها و روح کلیشان به اندازه کافی سنتی به نظر می رسد. با وجود این، اونو به دنبال صورت بندی بسیار دقیق تر اصول آنها است. با هر مرحله، یک نوع تولید و یک صورت از ظرفیت محقق شدن انباشت سرمایه ترکیب می شوند. متناظر با تولید محلی (برای مثال تولید محلی پشم) سرمایه تجاری است؛ در عصر کارخانه (برای مثال تولید کارخانه ای پارچه کتان) سرمایه صنعتی؛ و متناظر با صنایع سنگین (برای مثال، صنایع سنگین فولاد) سرمایه پولی است. پس از سال ۱۹۱۷، عصر تازه ای آغاز می شود، به همراه ظهور جوامع سوسیالیستی که جریان سرمایه داری بین المللی را تغییر می دهند.

سطح سوم تاریخ انضمامی است - تاریخ جوامع خاص، در ویژگی، تمایز زمینه های تاریخی-فرهنگی که دارند، توالی ای از به هم پیوستن شان فهمیده می شود.

نظریه جامعه سرمایه داری محض

نظریه جامعه سرمایه داری محض اونو به سه بخش تقسیم می شود که هر بخش حاوی سه قسمت است: گردش (یا ۱. کالا، ۲. پول، ۳. سرمایه)؛ تولید (یا ۱. فرایند تولید سرمایه، ۲. فرایند گردش سرمایه، ۳. فرایند بازتولید سرمایه) و توزیع (یا ۱. سود، ۲. رانت (اجاره)، ۳. بهره). همانطور می توانیم ببینیم، این تقسیم سه گانه با شیوه طرح شده توسط مارکس متفاوت است. در حالی که این ها مقولات کاپیتال هستند، موضوع باز سازماندهی می شوند که برخی اوقات معنایشان به شکل قابل توجهی تغییر می کند.

بخش نخست - گردش - مطابق با بخش اول و دوم از جلد اول کاپیتال است. اما ما متوجه دگرگونی در متنها درجه اهمیت می شویم: بنا به نظر اونو، مقوله ارزش کار، که کاپیتال مستقیما بدان می پردازد، تنها می تواند در بخش دوم (تولید) معرفی شود. بدین ترتیب اولین مسیر کالا به سرمایه از گرایش اکیدا صوری ارزش آغاز می شود، همانطور که در عمل مبادله خود را نمایان می کند، به عنوان همبود کالاها تعریف می شود. اونو می کوشد نشان دهد که این ارزش بر بیان عام در شکل پولی دلالت می کند؛ و یک منظر اصیل از مسیر آشنایی که از شکل ساده به شکل پیشرفته و از آن به شکل عام می رود، ترسیم می کند. او بیان ساده از ارزش کالا در ارزش مصرفی کالای دیگر را به عنوان یک "ارزش گذاری سوپژکتیو"⁷ مربوط به مالک آن کالا، تعریف می کند. مالکین کالاها بدین ترتیب به بیان ارزش خودشان در ارزش مصرفی محصولات گوناگون گرایش دارند، آرزوی آنها (میلشان) وابسته است به آنچه آنها در ارتباط با آورده هایشان آماده اند واگذار کنند. صورتبندی بازار جابه جایی این تنوع بیان را فرض گرفته و آشکار شدن یک کالا به عنوان معادل عام، به هر کالای مطلوب دیگری تبدیل پذیر است. به طور کلی این صورتبندی، منظر اونو از پیدایش پول است. این منظر با نگاه مارکس متفاوت

⁵ *theory of a purely capitalist society*

⁶ *theory of stages of capitalism*

⁷ *subjective evaluation*

است ، ابژه بی واسطه ای که توسط او تحلیل می شود ، شکل ارزش را با جوهرش : ارزش کار ، مفصلبندی می کند . در اینجا (در رویکرد اونو) ما در سپهر آرزو و ارزش گذاری – به صورت خلاصه در سپهر مقایسه میان ارزش های مصرفی باقی مانده ایم .

ما مستقیماً از پول به سرمایه – اول از همه به سرمایه بازرگانی که به سادگی استفاده تجاری از پول-کالا ، یا خرید ارزان و فروش گران است ، و در نهایت به سرمایه صنعتی هدایت می شویم . این روشن می کند که سرمایه :

نمی تواند مبنای ثابت امنی برای فعالیت تقویت ارزش اش باشد مگر اینکه به مرحله بعدی برود ... سرمایه می بایست کالایی با ارزش بالاتر از آن چیزی که خریداری کرده است، تولید کند .⁸

شرح چگونگی امکان پذیر بودن این کار باقی می ماند .

بخش دوم – تولید – با مابقی جلد اول و جلد دوم کاپیتال مطابق است . اونو برهانش را در صورتی اصیل طرح می کند : او ضرورت مقوله ارزش کار را از تحلیل فرایند تولید سرمایه دارانه بدست می آورد . برای اینکه قدرت کار دوام آورد ، دستمزد می بایست معادل بازده مطابق با زمان لازم برای بازتولید دریافت شود – برای مثال ، دستمزد ۳ دلار معادل شش ساعت کار است . برای این ۳ دلار او باید ۶ ساعت بازده را از سرمایه دار در بخشهای کالاهای مصرفی دریافت کند . اگر کمتر دریافت کند ، کارفرمای شاخه او شکست می خورد ، از آنجا که آنها ۶ ساعت بازده را ۳ دلار فروخته اند . به طور خلاصه ، انسجام نظام سرمایه داری آن مبادله محصولات را در نسبت با زمان-کار اجتماعاً لازم که برای تولیداتشان لازم است در نظر گرفته . تحرک کار و سرمایه ، شاخصه قواعد سرمایه داری صنعتی است ، درحقیقت این شاخصه الگوی مدیریت مبادله را تضمین می کند .

علاوه بر این ، اونو محتوای جلد اول و دوم کاپیتال را بازسازی می کند . بدین ترتیب که او عرصه بخش بازتولید را بسط می دهد . در این قسمت ، او مجموعه مسائل ساختاری مرتبط با تفسیر مارکس در جلد اول کاپیتال را از نو گروه بندی می کند : اونو توضیح می دهد، نمی توان مسئله انباشت را زودتر تشخیص داد ، چرا که انباشت مفهوم سرمایه ایستا و درگردش را که معرفی شده اند ، فرض می گیرد (در قسمت گردش) . بدین ترتیب او می تواند توأمان به مسئله ترکیب سازواره سرمایه و تولید اضافه نسبی ، به مثابه عناصر بحرانی دوره ای بپردازد . علاوه بر این ، او بر نیاز نظری در تمایزگذاری صورتهای درون زای تولید اضافه از آن صورتهای وابسته به روابط میان سرمایه داری و دیگر صورتهای اجتماعی ، تأکید می گذارد . او باور دارد که آنها ، همانطور که برای طرح بندی بازتولید ، در نظر گرفته شده اند تا " نشان دهند چگونه فرایند اساسی تولید سرمایه داری می تواند در چارچوب مقتضی با اساس مادی اجتماعی مشترک با تمامی جوامع ترکیب بندی شود ."⁹ در مقابل نظریه پردازانی که بحران سرمایه داری را از مازاد کالا استنتاج می کنند ، اونو اشاره می کند (و این کار را از ۱۹۳۲ انجام داده است) این طرح بندی نمی تواند اجتناب ناپذیری بحران را تشریح کند .

بخش سوم – توزیع – با جلد سوم کاپیتال منطبق است . اجازه بدهید روی دو نکته تمرکز کنیم .

اونو یک تحلیل بسیار دقیق از گرایش نزولی نرخ سود ارائه می کند . به طور خاص ، او بار دیگر نشان می دهد چگونه مارکس در تحلیل اش از گرایش مخالف در این قانون ، درون زایی و دیگر عناصر را باهم آمیخته است . از آنجا که گروه دوم مربوط به نسبت میان جامعه سرمایه داری و انواع جوامع متفاوت اند ، نمی توانند با نظریه سرمایه داری محض همراه شوند .

اونو در مسیری که رویکردش در آمیختن نسبتهای میان سود ، دستمزد ، استخدام و بهره است¹⁰ ، تفسیری از بحران دوره ای مرتبط با اضافه انباشت سرمایه ارائه می دهد . او توضیح می دهد ، در طول مدت مرحله رونق ، سرمایه داری به سمت استخدام راغب است نه ابداع ، اما در توسعه گسترده ، به واسطه بکارگرفتن دستمزد پرداختی تازه – به عنوان پیامد رشد تقاضا برای کار ، زمانی فرا می رسد که دستمزد افزایش یافته و سود از بین می رود . بنابراین در اینجا " وضعیت سرمایه مازاد " روی می دهد ، تا جایی که انباشت سرمایه افزوده شده به سود بیشتر منجر نمی شود . سقوط نرخ سود عامل افزایش نرخ بهره است . و این تنها زمانی که بحران شیوع می یابد است ، مرحله سکون

⁸ Uno 1980, p. 15.

⁹ Itoh 1980, p. 137.

¹⁰ See Uno 1980, pp. 87–9

، که روشهای جدید به عنوان توسعه تولید مازاد معرفی می شود . در ارزش و بحران ، ماکوتو ایتو بر این اساس نسخه بسط یافته ای از این مدل را ارائه کرد .

نظریه محض و تاریخ واقعی

متن اونو در باره مراحل سرمایه داری و درباره جامعه معاصر تا کنون از ژاپنی ترجمه نشده است . با وجود این ما سه اثر در اختیار داریم ، با مشخصاتی کاملا متفاوت ، که به ما برخی دسترسی ها به منظری کلی تر از مکتب اونو می دهند : کتابهایی نوشته ایتو ، سکین و آلبریتون . کتاب بازسازی ژاپنی مارکسیسم (۱۹۸۶) رابرت آلبریتون تنها کار فعلا در دسترس است که نظریه اونو را در جنبه های گوناگون اش معرفی و آن را با چشم اندازهای مختلف " مارکسیسم اروپایی " (لوکاج ، آلتوسر ، کولتی) مقایسه می کند .

مفصلبندی میان مراحل و جامعه سرمایه داری محض بر اساس این ایده که دومی تعریف نظامی است که در آن قانون بازار کاملا و مستقیما تولید را هدایت می کند . در نخستین دوره سرمایه داری ، سرمایه تنها به صورت غیر مستقیم تولید را کنترل می کند ، چرا که تولید هنوز آن شکل پیشین اقتصاد محلی است . در عصر لیبرالیسم ، این الگو کاملا متحقق شده است ، تولید صنعتی سبک مشخصه هماهنگی کامل آن با مقتضیات ساختار رقابتی بازار است . با امپریالیسم ، آن گونه تولیدی می آید که جایگزین مدل اول است : نیاز برای مقدار قابل ملاحظه ای سرمایه ثابت و سنگین ، دارایی های بلند مدت تثبیت سرمایه مالی را فرا می خواند . قانون بازار در مقابل مداخلات دولت ، که حمایت گرا و تهاجمی است عقب نشینی می کند .

آلبریتون اهمیت برخی از تمایزات میان مراحل تحلیل را به روشنی ارائه می کند . مطالعه تولید کالای ساده کتان در اوگاندا در آغازگاه قرن بیستم^{۱۱} شامل فاصله گذاری دقیق میان آنچه متعلق به شکل عام مناسبات تولید سرمایه دارانه ، به ویژه مرحله ای از توسعه آن (امپریالیسم ، به همراه تقسیم آفریقا ، تثبیت مرز و غیره) ، و زمینه خاص تاریخی (فرهنگی ، تکنیکی و غیره) می شد . همچنین در مطالعه بحرانها . بیشترین تمایز انواع ضرورت به این سه مرحله متصل است . قواعد نظریه محض آن ضرورت موکد مناسبات است - برای مثال ، مناسبات میان کالاها و پول ، دستمزد و ارزش اضافه ، ارزش و قیمت محصول . در سطح مراحل ، احتمالات مادی شکلهای جزئی ارزش مصرف مداخله می کنند . مشخصه ضروری مناسبات واقعی و قضایی که آنها را شامل می شود (برای نمونه ، میان صنایع سنگین و سرمایه پولی) نمی توانند از یک نوع باشند . در اینجا احتمال صورتبندی ضرورت مناسبات وقتی که با مطالعه تاریخی کامل رو در رو است ، که پدیداری تکین را با ابعاد اقتصادی بزرگ و وضعیتهای همبودش در نظر می گیرد ، حتی کمتر می شود .

می توانیم اضافه کنیم برای آلبریتون ، همانطور که برای اونو ، نظریه مارکس به صورت ذاتی برای سرمایه داری معتبر است و آن مفهوم ماتریالیسم تاریخی به عنوان علم تاریخ بر مبنای مفهوم شیوه تولید، صراحتا نفی شده . در این معنای وسیع ، مارکسیسم به عنوان یک ایدئولوژی روشننگر^{۱۲} ، بر مبنای تنها چیزی که استحقاق عنوان علم - نظریه محض سرمایه داری - را دارد درک شده .

در این تشریح عام آلبریتون در ارتباط با مفهوم ابر ساختار در نظریه محض سهم بسیاری از خودش را افزوده . در انجام این کار ، او پروژه اونو را به صورتی ارائه و ادامه می دهد که نه خود اونو و نه جانشینانش انجام داده اند .^{۱۳} این مسئولیتی دشوار است چرا که اگر بازار به طور کلی چنین جامعه ای را تنظیم می کند ، دولت به نظر زائد می رسد . آلبریتون باور دارد می توان از طریق تبیین حکومت قانون^{۱۴} ، که در میان موضوعات حقوقی مرتبط با مناسبات قراردادی مطابق با جامعه سرمایه داری محض، میانجی می شود ، این مسئله را حل کرد :

صورت دولت سرمایه داری می بایست از ایجاد موضوعات حقوقی بواسطه گردش کالایی و نه از قلمرو تولید که در آنجا طبقه همیشه در میان دیوارهای کارخانه در کمین نشسته ، اخذ شود .^{۱۵}

گفته می شود این دولت خودش را به عنوان مناسبات سلطه در سطح مراحل و تاریخ آشکار می کند .

¹¹ See Albritton 1986, pp. 122-4.

¹² Sekine 1984, p. 4.

¹³ See Mawatari 1985, p. 407.

¹⁴ the *Rechtsstaat*

¹⁵ Albritton 1986, p. 154.

توماس سکین ، استاد دانشگاه یورک کانادا (کسی که آلبریتون دائما به او ارجاع می دهد) واسطه اصلی میان سنت اونویستی و مارکسیسم اروپایی و آمریکایی است . مترجم اونو ، مطالعات خودش در زمینه معرفت شناسی را به متن مولف اصلی پیوست کرده است . علاوه بر این ، او کتاب ارزنده و مهم دیالکتیک سرمایه (۱۹۸۴ و ۱۹۸۶) که ۵۰۰ صفحه به صورت شروح روش شناسانه درباره اصول اقتصاد سیاسی است را به چاپ رسانده . سکین نظریه را در زبان ریاضیات مدرن از نو صورتبندی کرده و چارچوب هگلی نهفته در آن را شرح داده . تا امروز ، کتاب سکین مرجع استاندارد بدنه اصلی آثار اونو برای خوانندگان غربی است . هدف و اشتیاق این اثر قابل ملاحظه است . سکین می خواهد نشان دهد که اونو کاملا الگوی برنامه رساله اش درباره منطق هگل است و این مطابقت را کلمه به کلمه نشان می دهد : گردش=هستی ، در این جا : کالا=کیفیت ، پول=کمیت ، سرمایه=پول . سپس تولید=ذات ، در این جا : تولید سرمایه=بنیاد ، گردش سرمایه=نمود ، بازتولید=اثر گذاری] . سرانجام ، توزیع=مفهوم ، در اینجا قیمت تولید=مفهوم ذهنی ، نرخ سود=مفهوم عینی ، سود=بهره=ایده .

هر نکته با تفصیل توسط سکین تبیین می شود ، که فراتر از سومین سطح سه گانه طرح می شود . او توضیح می دهد ، در اینجا چیز عجیبی درباره این مطابقت دو طرفه وجود ندارد ، کاپیتال همان جایگاهی را برای نظریه مارکس دارد که منطق در نظریه هگل . کاپیتال بر مبنای نتیجه نظری کلیت انضمامی حاصل شده است ، همانطور که بر ضد تحقق تجربی تاریخی اش است . مارکس فقط سرمایه را جایگزین سوژه مطلق کرد .^{۱۶} در اینجا از نظر من مشکلات متعدد هست که کمتر از متن سکین ، با نمود نامتنه‌های ظرافت دیالکتیکی اش ، ناشی می شود ، بلکه (همانطور که مشاهده خواهیم کرد) از خود منظر اونو درباره سرشت بسنده شرح نظریه بیرون می آید .

کتاب ارزش و بحران (۱۹۸۰) ماکوتو ایتو سبکی کاملا متفاوت دارد . مولف ، استاد اقتصاد دانشگاه توکیو و یکی از رهبران شناخته شده مکتب اونو ، یک شرح اصیل از نظریه بحران ارائه می کند . در مقاله اخیر ماتاواری ، خوانندگان سیاهه جزئیات تحقیق انجام شده و نتایجی که توسط این اونویست بدست می آید را خواهند یافت .^{۱۷} اونو با اصلاح تعداد معینی از مفاهیم در روشی اصیل : معیار ارزش ، پول ، بازتولید ، قیمت تولید ، اعتبار ، بهره ، بحران ، شهرت دارد . این دلالت ها برنامه های پژوهشی جدی را برانگیخت و بر اساس آنها نسل کاملی از مولفان کار کردند .^{۱۸} همچنان مطالعات بر " مراحل " متمرکز شد ، در اینجا با مسائل مختلفی که در ژاپن خیلی پیشتر ظاهر شده بود و به طور مستقل - با " جهان سرمایه داری " مواجه شد - به این معنی که سرمایه داری از ابتدا به مثابه یک نظام جهانی توسعه یافته است . اما به وضوح تحلیل جامعه معاصر است که موضوع نهایی این تاملات را تشکیل می دهد . کتاب دولت سرمایه داری انحصاری (۱۹۷۰) تستوما اوشی ، که درباره اش بررسی مختصری به انگلیسی موجود است^{۱۹} ، مرکز این مباحثات بود . این اثر بر اساس رویکرد اونویی به بحران به عنوان اضافه انباشت سرمایه است که به سقوط سودها در ارتباط با افزایش در دستمزد و تولید کند مرتبط است . با این حال امروز این منظر از درون خود مکتب با چالش مواجه است .

نظریه و دیالکتیک در کوزو اونو

در دید من دورنمای نظریه پردازی اونو حاوی مشکلات عدیده ای است . این موضوع در ژاپن به حد کافی به بحث گذاشته شده^{۲۰} ، و می توان فرض کرد که تمام استدلالها از پیش عرضه شده است و اینکه ما با تاخیر به این بحث وارد شده ایم . با این حال ، به نظر من گشایش مجدد آن ، بخاطر ارجاعش به برخی مشکلات اصلی در نظریه مارکس مفید است چرا که راه حل های پیشرفته طرح شده توسط اونو ، حتی زمانی که باید رد شوند ، به شناساندن آن مسائل خدمت می رسانند .

اولین دشواری از برنامه شرح نظریه محض ریشه می گیرد . اونو خودش را حامی برنامه نظری ، نه برنامه تاریخی ، معرفی می کند . بدین ترتیب او ایده ای که می بایست شرحش را با " تولید کالایی ساده " آغاز کند ، چون هرگز به عنوان نظامی که خودش را از درون بازتولید می کند نیست ، رد می کند . به همین دلیل او از بخش اول کاپیتال هرآنچه که با تولید در ارتباط است حرص می کند ، بدین ترتیب رویکرد گروندریسه را که از فهم " گردش ساده " به عنوان رویه و سطح جامعه سرمایه داری آغاز می شود ، رادیکالیزه می کند . همانطور که می بینیم ، اونو تنها تولید (و ارزش کار) را در بخش دوم بحث اش مطرح می کند . با این حال به نظر من در واقعیت ، او به گونه

¹⁶ Sekine 1984, p. 35.

¹⁷ See Matawari 1985, pp. 407-8.

¹⁸ Matawari 1985, pp. 413-16.

¹⁹ See Ouchi 1982.

²⁰ See Otani and Sekine 1987.

متمایزی از رویکرد تاریخی-منطقی عقب می نشیند ، که به صورت دیالکتیکی از کالا به پول ، به پول ذخیره شده ، به سرمایه تجاری و سپس به سرمایه صنعتی منجر می شود . یا به عبارت دقیق تر ، سرزندگی این دیالکتیک ، یکی در میان ، از بساخت گفتاری که در انسجامش ساختار گرفته است (برای نمونه ، هیچ نظام کالایی بدون معیار عام نیست) و از پویایی تاریخی ، در جایی که فرایند انباشت راه را برای تغییرات کیفی آماده می کند ، بدست می آید . بنابراین ، پول جمع شده برای خرید تجاری در دسترس است : پول به سرمایه مبدل می شود .^{۲۱} و این راه را برای سرمایه صنعتی ، برای سرمایه ای که تنها می تواند بنیادهای خودش را از طریق جهیدن به مرحله بعدی تضمین کند ، از طریق تولید کالایی با ارزش بزرگتر از آن که خریده ، باز می کند .^{۲۲}

این رویکرد ، در پیش زمینه با توصیف ساختاری بر اساس تبیین تاریخگرایانه ، در نظر من پس رفتی است که با تفسیری که مارکس در کاپیتال برگزیده قابل مقایسه است ، آنجا که لحظه نخست تمایل دارد به مثابه آن بازاری تعریف شود که ساختار تولید کالا به صورت کلی است (نه پیش سرمایه دارانه) . این نقطه امروزه سخت و بحرانی است .^{۲۳} لازم است بدانیم که بازار ، به عنوان رابطه تولید ، به طور خاص متعلق به سرمایه داری است و تنها در سرمایه داری توسعه می یابد ؛ یا که در عوض ، ماتریسی به مراتب کلی تر را تشکیل می دهد که در مسیری خاص در گونه متفاوتی از جامعه می تواند وجود داشته باشد . این مسئله حل خواهد شد اگر بتوان نشان داد که این مفهوم از بازار می تواند در الگویی کاملا خود بنیاد توسعه یابد . اوانو این مسیر را بسته : او به صورت دیالکتیکی صورت بازار و سرمایه داری را این همان کرده است .

دومین دشواری با مفهوم اونویستی از اقتصاد سرمایه داری محض به مثابه اقتصادی سرو کار دارد که به طور خاص توسط بازار تنظیم می شود - یعنی گفته شود ، هر تن از افراد توسط قانون بازار حرکت داده می شود ، توسط مناسبات غیر شخصی منافع خاص ، که به عنوان مناسبات عینی محض بین چیزها فهمیده می شود . ما بعد از این از یک سو ارزش گذاری سرمایه دارانه کارگر به عنوان یک ابزار تولید را با قیمت و بهره وری قطعی اش ، و از سوی دیگر ، بیشینه سازی علایق کارگر به مثابه مصرف کننده را خواهیم داشت . این نظام به مثابه کل در معنای " خود تنظیم گری " ، " خود تعیین بخش " خواهد بود .^{۲۴} در ارتباط با این ، ارجاع به کار انتزاعی که به عنوان غیر شخصی و ساده و در نتیجه متحرک فهمیده شده قرار می گیرد .^{۲۵} بدین ترتیب تضاد طبقاتی خارج از نظریه جامعه سرمایه داری محض قرار می گیرد . از منظر اوانو ، این نظریه محض می تواند ما را نسبت به احتمال وقوع ، مشخصه اجتناب ناپذیر تضاد طبقاتی آگاه کند ، اما این آخری خارج از زمینه اش باقی می ماند . این دیدگاه به طور قطع استثمار را به عنوان تصرف کار مولد توسط سرمایه دار تعریف می کند ، اما این مسئله را به عنوان یک داده عینی در نظر می گیرد . خود موضوع توصیف نظامند مناسبات مرتبط با آن موضوع است - برای مثال ، تعریف از تاثیر دگرگونی در یک عنصر بر مبنای نظام عناصر دیگر (مثلا تاثیر تقلیل ساعات کار بر مبنای نرخ سود) . با این حال ، ممکن است که اهمیت مفاهیمی ارائه شده توسط مارکس از این واقعیت ناشی بشود که آنها اقتصادی-سیاسی در اکیدترین معنا هستند : زمان-کار اجتماعا لازم برای تولید فی نفسه در تقابلهای اجتماعی تعیین می شود .

این تعریف از نظریه محض به مفصلبندی اقتصادی و سیاسی متناقضی راهبر می شود . اگر بازار تنظیم کننده است ، دیگر احتیاجی به دولت نیست . سکین تا آنجا پیش می رود که بنویسد : دولت به طور صریح یک نهاد بیگانه با سرمایه است .^{۲۶} آلبریتون راه میانه را می جوید که در آن تحقق حکومت قانون در نظریه محض تعیین و این چنین دولتی به عنوان ابزار سلطه در نظریه مراحل در نظر گرفته شود . این موقعیت غیر قابل دفاع است . آنچه آلبریتون به عنوان حکومت قانون می فهمد مجموعه حقوقی-سیاسی است که به معنای دقیق کلمه در ذات مناسبات کالایی تعیین می شود .^{۲۷} اما نظریه سرمایه داری محض به عنوان نظریه از استثمار سرمایه دارانه متضمن وضعیت طبقاتی است . در این معنا ، تضاد میان حکومت قانون و وضعیت طبقاتی می بایست به مثابه امر درونی نظریه محض وضع شود .

²¹ Uno 1980, p. 12.

²² See Uno 1980, p. 15.

²³ See Bidet 2000.

²⁴ Albritton 1986, p. 40.

²⁵ See Uno 1980, p. 34.

²⁶ Uno 1980, p. 154

²⁷ See Bidet 1987a and 1987b.

این مسائل به آخرین مشکل منجر می شود: که مفصلبندی میان نظریه محض و نظریه مراحل است. نوسان میان دو موقعیت قابل مشاهده است. یکی در اینجا به شناسایی وضعیتی تمایل دارد که توسط نظریه محض با تحقق آن در لیبرالیسم قرن نوزدهم تعریف شده، که در برخی موارد دوره کلاسیک است. یا نظریه محض دقیقا این موقعیت را به عنوان مجموعه ای از مناسبات ضروری در ساختار سرمایه داری طرح می کند. تعریف کردن سرمایه داری محض از طریق رقابت آزاد به تفسیر اول می انجامد؛ مستثنی کردن تضاد طبقاتی به تفسیر دوم. از آنجایی که مورد دوم به سختی قابل قبول است، ما به فرضیه اولی باز می گردیم، که مسئله نظریه محض را کاهش می دهد.

هر قدر هم که این نظریه نامطمئن باشد، این مورد باقی می ماند که اقدام مهم اونو، با توجه به اینکه سنت مارکسیسم شکستهای بسیاری را به نمایش گذاشته، ضرورت کارهای نظری گوناگونی را نشان می دهد.

در جایگاه اول، نیاز به تمایزگذاری میان شرح ساختار عام سرمایه و شرح تاریخ عام سرمایه داری وجود دارد. مارکس قاطعا اصول چنین تمایزگذاری را وضع کرد، می توان دید که نظریه سرمایه پیش شرطی برای نظریه پیدایش اش بود (انباشت اولیه). اما مطالعه کامل مفصلبندی این دو مسئله عام انجام نشده است. این مسئله می تواند حل شود تنها اگر از یک طرف الزامات فهمیدن کلیت ساختاری و از طرف دیگر کلیت تاریخی به مثابه موضوعات نظری حقیقی (و نه به مثابه ماده خام برای شرح فرهنگ نامه ای یا آموزشی) پذیرفته شود. این آن چیزی است که مکتب نظریه محض و سرمایه داری جهانی در راه خودشان انجام می دهند. اذعان به این ضرورت در سنت مارکسیستی دور از دسترس بوده است.

دوما، برای یک شرح نظام مند بسنده لازم است، مقوله ای تعریف نشده باقی نماند و مناسبات میان مراحل ساختاری مختلف (برای نمونه، میان بازار و سرمایه داری) نا مشخص نماند.

سوما، ما به رویکردی در برخورد با انحنا تاریخی پدیده سرمایه داری نیازمندیم که از عنصر ساختاری بسیار عمیقی آغاز کند: بازار - با این نتیجه که (ظاهرا توسط اونو بسیار ساده سازی شده بود) آنچه اولویت بازار را به چالش می کشد در عین حال خود سرمایه داری را به پرسش می گیرد.

اونو بدون شک در مواجهه با هرکدام از این اهداف رضایت بخش شکست خورد. اما هنوز او چنین مسائلی را در عمقی رضایت بخش وضع می کند که الهام بخش تفسیر مجدد اکثر درون مایه های تاریخی و نظری مارکسیسم است.

منابع

Schwarz, Winfried 1978, *Die Strukturgeschichte des Marxschen Hauptwerkes*, West Berlin: DEB.

Uno, Kôzô 1980 [1950-2], *Principles of Political Economy: Theory of a Purely Capitalist Society*, translated by Thomas Sekine, Brighton: Harvester.

Itoh, Makoto 1980, *Value and Crisis: Essays on Marxian Economics in Japan*, London: Pluto Press.

Albritton, Robert 1986, *A Japanese Reconstruction of Marxist Theory*, London: Macmillan.

Sekine, Thomas 1984-6, *The Dialectic of Capital*, 2 vols., Tokyo: Yushindo Press.

Ouchi, Tsutomu 1983, 'Notes on the Theory of State-Monopoly Capitalism', *Annals of the Institute of Social Sciences*, 23, Tokyo University.

Bidet, Jacques 2000 [1985], *Que faire du 'Capital'? Philosophie, économie et politique dans Le Capital*, Paris: Presses Universitaires de France.

Bidet, Jacques 1987a, 'Capitalisme-Marché-Socialisme', preface to Japanese and Spanish editions of Bidet 2000.

Bidet, Jacques 1987b, 'Place des catégories juridicopolitiques dans la théorie du mode de production capitaliste', *Socialism in the World*, 58: 69–86.